

دوتا ۳۵۲	عهدعتیق / ۳۱
	دانیال - بخش نخست
T = معلم ۱ (تدریس توسط معلم ۱)	

(T) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید. در این مجموعه درس‌ها، فرصت خواهید یافت تا با کتاب مقدس بیشتر آشنا شوید. در برنامه امروز، به بررسی کتاب دانیال - بخش اول خواهیم پرداخت.

نکته ۱ - ویژگی‌های کتاب دانیال

اول. "کتاب دانیال، کتابی مکاشفه‌گونه است و از وقایع آینده خبر می‌دهد"

یک. کتاب دانیال، مسیر و اهمیت تاریخ را از دیدگاه خدا بررسی می‌کند. کتاب دانیال در عهدعتیق کتابی منحصر بفرد است. این کتاب مانند کتب نبوتی عهدعتیق حاوی بیانات نبوتی نیست، و مانند کتب تاریخی عهدعتیق به روایت تاریخ نمی‌پردازد. با اینحال اگرچه دانیال کتابی تاریخی نیست، قطعاً با "تاریخ" سر و کار دارد. منتهی تاریخ گذشته را شرح نمی‌دهد، بلکه به مکاشفه رخدادهایی می‌پردازد که می‌توان انتظار داشت در سراسر تاریخ بشریت بر روی زمین واقع شود. بنابراین، کتاب دانیال، کتابی مکاشفه‌گونه است. این کتاب با استفاده از خواب و رؤیا، آیات و نشانه‌ها، و اعداد و نمادها، مسیر تاریخ را در این دنیا نمایان می‌سازد و اهمیت تاریخ این جهان را نشان می‌دهد. در این کتاب، نقشه خدا برای این دنیا از طریق سلسله رویاهایی ویژه بر دانیال مکتشف می‌شود. دو. کتاب دانیال به تاریخ تمام دنیا می‌پردازد.

دانیال نیز همچون نویسنده فصل‌های ۱ تا ۱۱ کتاب پیدایش تنها به شرح تاریخ اسرائیل نمی‌پردازد، بلکه موضوع آن تاریخ تمام اقوام و ممالک و حاکمان جهان است. تاریخ در عهدعتیق عبارت است از تئیس موجود بین وعده‌های خدا و تحقق آن وعده‌ها. اما برخلاف انبیای عهدعتیق که تحقق وعده‌های خدا را تنها در "تاریخ قوم خدا" می‌جستند، دانیال تحقق این وعده‌ها را در تاریخ "تمام اقوام و ملل بشر" جستجو می‌کند. دانیال نیز همچون نویسنده پیدایش ۱۲: ۳، به زمانهای آخر و تحقق اراده خدا برای کل دنیایی که آفرید توجه دارد.

سه. پیام اصلی کتاب دانیال این است که خدا بر امور انسان مسلط است.

خدا بر تمام ملتها و پادشاهان‌شان، بر تمام امپراتوریها و امپراتورهای‌شان، و بر تمام طول تاریخ تا هنگام بازگشت عیسی مسیح، تسلط کامل دارد. خدای کتاب مقدس انسان را خلق کرد، زمان، حیات و تاریخ بشر بر روی این زمین یکسره تحت تسلط اوست، و اوست که تاریخ بشریت را بسوی هدف غایی آن هدایت می‌کند. هر خطری نیز که قوم خدا را تهدید کند، نقشه و برنامه خدا هیچگاه عقیم نخواهد ماند. علت اینکه امروزه برخی از دولتها از موعظه کتاب دانیال و مکاشفه جلوگیری می‌کنند این است که این کتابها، توکل کردن بر دولتهای انسانی بطور عام و بخصوص توکل بستن بر حاکمان متکبر و ظالم را زیر سؤال می‌برند.

چهار. کتاب دانیال نشان می‌دهد که سه واقعه را باید در طول تاریخ دنیا انتظار داشت:

اولاً، خداست که بواسطه قدرت مطلقه خود ممالک و امپراتوریها را روی کار می‌آورد و پادشاهان را عزل و نصب می‌کند (۲: ۲۱). ثانیاً، پادشاهی‌های این دنیا و حاکمان جبار و ظالم آنها، به قوم خدا جفا می‌رسانند و قوم خدا متحمل زحمت خواهند شد (۷: ۲۵؛ ۱۲: ۱). سوماً، پس از مرگ و رستاخیز، خدا قوم خود را رستگار خواهد ساخت و تنها آنان وارث زمین جدید خواهند شد (۷: ۲۶ - ۲۷؛ ۱۲: ۱ - ۳).

پنج. کتاب دانیال نشان می‌دهد که در پایان تاریخ جهان، سه واقعه مهم رخ خواهد داد:

اولاً، تمام مردگان زنده خواهند شد (۱۲: ۲). ثانیاً، خدا بر تخت داوری خود نشسته، کتابها را خواهد گشود و تمام اقوام و ملل در برابر تخت خدا مورد داوری قرار خواهند گرفت (۱۲: ۳؛ ۷: ۱۰). سوماً، خدا اقتدار و جلال و قدرت را به کسی که شبیه انسان است (۷: ۱۳ - ۱۴) و به قوم خود (۷: ۱۸ و ۲۷) عطا خواهد نمود، و آنان تا به ابد از اقتدار و جلال و قدرت برخوردار خواهند بود.

دوم. "کتاب دانیال آینده تاریخ دنیا را در قالب چهار پادشاهی دنیا مکتشف می‌سازد"

دانیال تاریخ را از هنگام تبعید تا زمان آخر بصورت چهار پادشاهی نمایان می‌سازد.

یک. چهار پادشاهی در دوران عهدعتیق.

پادشاهی اول، امپراتوری بابل است (۲: ۳۸). پادشاهی دوم، امپراتوریهای ماد و پارس هستند (۸: ۲۰)، پادشاهی سوم، امپراتوری یونان است (۸: ۲۱)، و هویت پادشاهی چهارم نیز مشخص نیست (۷: ۷). این نظام متشکل از چهار پادشاهی در وهله نخست برای مردم دوران عهدعتیق واجد اهمیت بود، یعنی برای کسانی که در دوران مابین تبعید تا هنگام ظهور عیسی مسیح می‌زیستند. این واقعیت که خدا بر تمامی ابناء بشر و بر تمام وقایع تاریخ تسلط کامل دارد، برای آنان مکاشفه‌ای حیرت‌انگیز بود. از آنجا که فرشته‌ای که وقایع کتاب دانیال را تفسیر می‌کرد برای پادشاهی چهارم نام خاصی قائل نشد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که کتاب دانیال دارای معنای سمبولیک است و رابطه بین ممالک و فرمانروایان دنیا و قوم خدا را در طول تاریخ این جهان به تصویر می‌کشد.

دو. پادشاهی چهارم از دیدگاه عهدجدید

مسیحیان اولیه، پادشاهی چهارم را به حق سمبولی از امپراتوری روم می‌دانستند و معتقد بودند که فصل‌های ۲ و ۷ کتاب دانیال در واقع به مرگ و رستاخیز عیسی مسیح اشاره دارد. مسیحیان اولیه که اناجیل و رسالات پولس را در اختیار داشتند،

می‌دانستند که با ظهور مسیح نبرد جهانی بر روی صلیب به پیروزی منتهی شده است (یوحنا ۱۲: ۳۱ - ۳۲؛ کولسیان ۲: ۱۵). آمدن مسیح آغازگر آمدن پادشاهی خدا بر روی زمین بود (مرفس ۱: ۱۵).

اما این واقعیت که عیسی مسیح در متی فصل ۲۴، آنچه را که در دانیال ۹: ۲۷، ۱۱: ۳۱ و ۱۲: ۱۱ در مورد "آن چیز وحشتناک که موجب ویرانی است" نوشته شده است بر وقایع آینده اطلاق می‌کند، نشان می‌دهد که کتاب دانیال تا هنگام بازگشت مسیح کماکان برای مسیحیان کاربرد عملی دارد. بر اساس متی ۲۴: ۶، "آخر دنیا در آن زمان نیست"، زیرا مأموریت اعلان پیام انجیل به تمام دنیا هنوز به انجام نرسیده است (متی ۲۴: ۱۴). کتاب مکاشفه مضامین کتاب دانیال را ادامه می‌دهد.

سوم. "مکاشفه در کتاب دانیال هم حالت موازی دارد و هم حالت پیشرونده"

مکاشفه در فصل‌های مختلف کتاب دانیال هم حالت موازی دارد و هم حالت پیشرونده.

یک. محتوای فصل‌های کتاب دانیال تا اندازه‌ای به موازات هم عمل می‌کنند.

این نکته را بویژه در فصل‌های ۲، ۷، ۸، ۹ و ۱۱ شاهدیم. فصل‌های ۲ و ۷، تمام تاریخ دنیا را از هنگام تبعید تا پایان تاریخ فعلی بشر در بر می‌گیرند. چهار پادشاهی مختلف در این دو فصل بررسی می‌شوند. فصل‌های ۸ و ۱۱ به زمانی متأخرتر اشاره دارند و تنها به بررسی پادشاهی‌های دوم و سوم می‌پردازند. در این دو فصل، یک پادشاه بسیار شریر بطور خاص مورد بررسی قرار می‌گیرد.

دو. محتوای فصل‌های کتاب دانیال تا اندازه‌ای به‌طور پیشرونده عمل می‌کنند.

دانیال فصل ۲ این واقعیت را آشکار می‌سازد که خدا با روی کار آوردن سلطنتی جاودانه، نشان می‌دهد که در نهایت اوست که بر امور تمام اقوام و ملل تسلط دارد. اما دانیال فصل ۷ قدری از این حد فراتر می‌رود و این واقعیت را آشکار می‌سازد که خدا از یک سو پادشاهی‌های بشری و حکام متکبرشان را مورد داوری قرار خواهد داد و از سوی دیگر، پادشاهی خدا را تا به ابد به قوم خدا واگذار خواهد نمود. موضوع اصلی در فصل ۸ دانیال، حاکمیت حرمت قدس‌الاقداص یا خانه خدا است (۸: ۹ - ۱۴) که در سال ۱۶۷ قبل از میلاد بدست آنتیوخوس چهارم صورت گرفت. اما فصل ۹ دانیال قدری از این حد فراتر رفته، در مورد ویرانی قدس‌الاقداص یا خانه خدا سخن می‌گوید (۹: ۲۴ - ۲۷) که در سال ۷۰ میلاد توسط تیطس صورت گرفت. فصل ۱۲ دانیال از این حد نیز فراتر رفته، این واقعیت را آشکار می‌سازد که گنجینه خدا که در این کتاب از آن صحبت شده، در نهایت نه ساختمان بی‌جان معبد، بلکه قوم خدا یعنی همان کلیسای دوران عهدعتیق است. دانیال فصل ۹ در مورد جفا و حاکمیت حرمتی صحبت می‌کند که در نیمی از آخرین هفتادمین "هفته" رخ داد، اما به اتفاقاتی که در نیمه دوم آن هفتادمین هفته رخ داد اشاره‌ای نمی‌شود. ولی فصل‌های ۱۱ و ۱۲ دانیال از این حد نیز فراتر رفته، نه تنها در مورد جفایی بی‌سابقه، بلکه همچنین در مورد رستاخیز همگانی مردگان که تاریخ را به کمال می‌رساند، سخن می‌گویند ("پایان" ۱۲: ۱۳).

چهارم. "اعداد در کتاب دانیال نه از لحاظ عددی، بلکه به لحاظ سمبولیک دارای اهمیت هستند"

یک. عدد "هفتاد" در دانیال ۹: ۲

بر اساس زکریا ۱: ۱۲، هفتاد سال عبارت بود از دوران مشخص خشم و غضب خدا بخاطر گناهان اسرائیل. و در دوم تواریخ ۳۶: ۱۹ تا ۲۱ می‌خوانیم که از زمان ویرانی اورشلیم و خانه خدا و فرستاده شدن قوم اسرائیل به تبعید بابل تا آغاز امپراتوری پارس، "سرزمین اسرائیل به مدت هفتاد سال استراحت نمود تا سالهایی را که در آنها قوم اسرائیل قانون سبت را شکسته بود جبران کند." این درک آیینی از اصطلاح "هفتاد سال" بعنوان "سالهای استراحت روز سبت"، نشان می‌دهد که منظور تنها هفتاد در مفهوم عددی نیست، بلکه مفهومی الهیاتی و اخلاقی مورد نظر است. از لحاظ "عددی"، به طرق مختلف می‌توان سالهای تبعید را حساب کرد، اما هیچکدام از این طرق ما را دقیقاً به عدد هفتاد نمی‌رساند. بعنوان مثال، از اولین باری که قوم به تبعید فرستاده شدند در سال ۶۰۵ قبل از میلاد تا اولین بازگشت آنها در سال ۵۳۸ قبل از میلاد، تنها ۶۷ سال بود. و بر اساس دوم تواریخ ۳۶: ۱۹ تا ۲۱، دوران نابودی یا متروکه بودن اسرائیل، از ۵۸۷ قبل از میلاد تا ۵۳۸ قبل از میلاد یعنی تنها ۴۹ سال ادامه داشت. و اما از لحاظ "الهیاتی"، نکته مهم این بود که بازسازی و مرمت اورشلیم و خانه خدا نمایانگر آغاز پذیرفته شدن قوم توسط خدا بود - خدایی که قوم را بخشیده بود و آنان را بار دیگر به سرزمین خویش بازگردانده بود (اشعیا ۴۰: ۱ - ۲). بنابراین باید مواظب باشیم آنقدر خود را درگیر اعداد نکنیم که از پی بردن به حقیقت مهمی که اعداد نمایانگر آنند غافل شویم.

دو. عدد "هفت هفته و شصت و دو هفته" در دانیال ۹: ۲۵ - ۲۶

برخی می‌گویند دانیال ۹: ۲۵ - ۲۶ تاریخ دقیق مصلوب شدن مسیح را پیشگویی می‌کند. نحوه محاسبه آنان از سال ۴۴۵ قبل از میلاد شروع می‌شود، یعنی از زمانی که اردشیر اول پادشاه پارس به نحی اجازه داد به اورشلیم برود و دیوارها و دروازه‌های آن مرمت کند (نحمیا ۲: ۱ - ۱۰). این عده هر سال را معادل ۳۶۰ روز محاسبه می‌کنند و روزهایی اضافی برای سالهای کبیسه بر این تعداد می‌افزایند، و بدین ترتیب به سال ۳۱ میلادی می‌رسند. اما اعداد در عهدعتیق اغلب دارای اهمیت سمبولیک هستند. برای اعداد در دانیال ۹: ۲۵ - ۲۶ هیچ تفسیر خاصی ارائه نمی‌شود. نقطه آغاز نیز نه سال ۴۴۵ قبل از میلاد، بلکه سال ۵۳۹ قبل از میلاد است، زیرا اردشیر هیچ "فرمانی" در خصوص بازسازی اورشلیم یا خانه خدا صادر نکرد، بلکه کوروش بود که چنین فرمانی صادر نمود (اشعیا ۴۴: ۲۸؛ عزرا ۱: ۱ - ۵). بعلاوه، عیسی مسیح به احتمال بسیار زیادتر نه در سال ۳۱ میلاد، بلکه در ماه آوریل سال ۳۰ میلاد مصلوب شد. بنابراین بهتر آن است که اعداد را در کتاب دانیال بطور سمبولیک تفسیر کنیم.

سه. عدد "یک زمان، دو زمان، و نصف زمان" در دانیال ۷: ۲۵

با توجه به فصل ۷ کتاب دانیال، حاکم ظالم پادشاهی چهارم می‌کوشد "زمان را تغییر دهد". اما تمام زمانها تحت کنترل و تسلط خدای قادر مطلق است، و خدا برای این پادشاه ظالم "یک زمان، دو زمان، و نصف زمان" (در ترجمه قدیمی) را مقرر داشته

بود. احتمالاً آن پادشاه ظالم انتظار داشت که نقشه‌اش بصورت “یک، دو، سه” اجرا شود و به ترتیب پیش رود، اما خدای قادر مطلق “چهار” او را بطور قطعی عقیم و ناتمام می‌گذارد. آری، خدا اجازه نخواهد داد که آن پادشاه ظالم نقشه شرورانه خود را عملی سازد.

چهار. عدد “نصف هفته” در دانیال ۹: ۲۷

در کتاب دانیال همیشه برای پرسش “چه مدت؟” پاسخی هست. اما این طول مدت در عمل همواره کوتاه‌تر می‌گردد و کار ناتمام می‌ماند. در دانیال ۹: ۲۴ – ۲۷، شصت و نه هفته و نیم “کوتاه‌تر” از هفتاد هفته است. پادشاه ظالم قصد دارد فرمانی را به مدت “یک هفته” بر بسیاری از مردم تحمیل کند، اما تنها به مدت “نصف هفته” می‌تواند بر ضد خدا و قوم او فعالیت نماید. کتاب دانیال بدون اینکه در مورد نیمه دوم آن هفته توضیحی دهد، با این بیانیه خاتمه می‌یابد که پادشاه ظالم مورد داوری قرار خواهد گرفت. مقاصد شوم آن پادشاه ظالم عقیم و ناتمام می‌ماند، و او نمی‌تواند “هفته” خود را کامل کند. چنین است که گویی دانیال می‌گوید: “انتها هنوز نیست.” (متی ۲۴: ۶، از ترجمه قدیمی). دانیال ۷: ۱۲ بر این نکته مهر تأیید می‌زند. اگرچه خدا جانور چهارم و شاخه‌ایش را مورد داوری قرار داده است، اما به سه جانور دیگر اجازه داده شد که “تا مدتی دیگر” همچنان زنده بمانند. بنابراین ظاهراً تاریخ دنیا پس از سقوط جانور چهارم هنوز به انتها نرسیده است. از این رو این اعداد را باید بطور سمبولیک تفسیر کرد، و نه در مفهوم عددی.

پنج. عدد “هفتاد هفته” در دانیال ۹: ۲۴

برای دانیال، “هفتاد هفت” سال شامل دورانی می‌شد که خدا در طی آن نقشه خود را در “تاریخ الهی و دنیوی” به انجام می‌رساند. این تاریخ الهی و دنیوی که پیش‌اروی دانیال قرار دارد، از سال ۵۵۹ قبل از میلاد با فرمان کوروش پادشاه ایران مبنی بر بازسازی اورشلیم و مرمت خانه خدا آغاز می‌شود (عزرا ۱: ۱ – ۴)، و با به انجام رسیدن نقشه خدا برای این دوره از تاریخ خاتمه می‌یابد. این دوران با ویرانی و بازسازی مجدد اورشلیم و خانه خدا به پایان می‌رسد. نقشه خدا در چهارچوب تاریخ دنیوی این است که بر امور رهبران سیاسی و مذهبی این دنیا تسلط داشته باشد. از آنجا که در کتاب دانیال در مورد “نیمه پایانی هفتادمین هفته” توضیحی داده نشده است، این اعداد را باید در مفهوم سمبولیک تفسیر کرد و نه در مفهوم عددی.

نتیجه‌گیری: کتاب دانیال تاریخ جهان را در قالب نظامی متشکل از چهار پادشاهی به تصویر می‌کشد و به شرح پایان تاریخ دنیا می‌پردازد. اما اگرچه تاریخ آینده دنیا تا اندازه‌ای از قبل تعیین شده است، ولی اعداد داده شده را نمی‌توان و نباید بعنوان اطلاعات دقیق تاریخی تفسیر کرد. بلکه این اعداد دارای اهمیت سمبولیک هستند. در چهارچوب پادشاهی‌های این دنیا و نیز در چهارچوب پادشاهی خدا که پیوسته در حال رشد و گسترش است، حاکمان و فرمانروایان انسانی ناخواسته و ندانسته تحت الگوی رفتاری قرار خواهند گرفت و سیاست‌هایی را اعمال خواهند کرد که از روی مطالب کتاب دانیال قابل تشخیص است. قوم خدا در سراسر تاریخ قربانی اینگونه سیاستها خواهند بود. اما پیشاپیش در این مورد به قوم خدا هشدار داده شده است و بنابراین آنان باید برای چنین سیاست‌هایی آماده باشند و بدانند که در نهایت خدا بر این دنیا، بر حاکمان آن، و نیز بر “زمانهای” آن تسلط دارد و او همواره قوم خود را رستگار خواهد ساخت.

نکته ۲ - نویسنده، تاریخ و مکان نوشته شدن کتاب دانیال

برخی می‌گویند کتاب دانیال توسط نویسنده‌ای گمنام در سرزمین فلسطین در اواخر امپراتوری یونان، در دوران حکومت پادشاه ظالم آنتیوخوس چهارم مابین سالهای ۱۷۵ تا ۱۶۳ قبل از میلاد نوشته شده است. این نظر عمدتاً بر این دیدگاه مبتنی است که مکاشفه وقایع مربوط به آینده از لحاظ علمی غیرممکن است، تمامی کتاب دانیال صرفاً رساله‌ای است برضد آنتیوخوس چهارم که پادشاهی ظالم بود، و اینکه زبان آرامی که در کتاب دانیال بکار رفته ثابت می‌کند که این کتاب بسیار دیرتر نوشته شده است. اما شواهد و مدارک فراوانی موجود است مبنی بر اینکه کتاب دانیال توسط خود دانیال در بابل در قرن ششم قبل از میلاد نوشته شده است.

اول. شواهد و اسناد درون متن و انسجام و یکپارچگی کتاب:

در دانیال ۱: ۱ می‌خوانیم که دانیال در سال ۶۰۵ قبل از میلاد به بابل برده شد، و بر اساس دانیال ۱۰: ۱، وی حداقل تا سال ۵۳۷ قبل از میلاد، یعنی تا هشتاد و چند سالگی زندگی کرد. دانیال شاهدی عینی، فردی تحصیلکرده، و مقام عالی‌رتبه و باکفایتی بود که بنا به سنن اولیه یهودی و مسیحی، خودش کتاب دانیال را نوشت. تقسیم‌بندی‌های کتاب نیز از انسجام و یکپارچگی حیرت‌انگیزی برخوردار است. کتاب دانیال بعنوان اثری ادبی از نظر هدف و طرح دارای وحدت است. وقایع تاریخی که در فصل‌های ۱ تا ۶ آمده، گواهی تاریخی است مبنی بر اینکه تاریخ این جهان کاملاً تحت تسلط خداست - کاملاً اینکه رؤیاهای فصل‌های ۷ تا ۱۲ نیز مؤید این واقعیت هستند.

دوم. زبان آرامی:

زبان آرامی از قرن هفت تا قرن سوم قبل از میلاد، زبان اصلی دنیای خاور نزدیک بود. سه واقعیت ثابت می‌کند که نگارش کتاب دانیال مربوط به زمانی بسیار عقب‌تر است تا زمانی جلوتر. اولاً ترتیب واژگان آرامی بکار رفته در کتاب دانیال کاملاً متأثر از زبان بابلی است. لغات فارسی بکار رفته در کتاب نیز متعلق به فارسی کهن پیش از سال ۳۰۰ قبل از میلاد است. اما از همه مهم‌تر این واقعیت است که در سراسر کتاب دانیال تنها سه لغت یونانی وجود دارد. اگر کتاب دانیال در اوج دوران امپراتوری یونان نوشته شده بود، قطعاً نفوذ زبان یونانی در آن بسیار مشهودتر می‌بود.

سوم. شواهد و اسنادی که نشان می‌دهد کتاب دانیال توسط نویسنده‌ای در قرن دوم قبل از میلاد نوشته نشده است:

فصل اول کتاب دانیال، یک مشکل فرهنگی را مطرح می‌کند: “یک فرد یهودی معتقد و وفادار تا چه حد می‌تواند فرهنگ بیگانه فاتحان خود را بپذیرد؟” یهودیان قرن دوم که در دوران امپراتوری یونان می‌زیستند، زبان، ادبیات و آداب و رسوم یونانی را

بکلی مردود می‌شمرند، و حال آنکه دانیال و دوستانش هر سه اینها را پذیرفتند و خود را با آنها وفق دادند. آنها تنها حاضر نشدند از خوراک‌های سلطنتی فاتحان خود بخورند. تسلیم شدن تدریجی نبوکدنصر در برابر خدای اسیرانش در فصل ۴ دانیال، و لطفی که نبوکدنصر، بلشصر و بویژه داریوش در فصل‌های ۵ و ۶ نسبت به دانیال نشان دادند، باعث می‌شود مشکل بتوان توجیه کرد که این پادشاهان پیشاپیش به آنتیوخوس چهارم اشاره دارند که پادشاهی ظالم بود، پیوسته با خدا ضدیت می‌ورزید، و نسبت به قوم خدا هیچ‌گونه رحم و شفقتی نداشت. نبوکدنصر در ملاء عام خدا را تمجید کرد (۴: ۳۴ - ۳۷)؛ بلشصر نیز صرفاً پادشاهی سبکسر و بلهوس بود و به هیچ وجه کسی به نظر نمی‌رسد که در پی نابود ساختن آیین یهود بوده باشد. داریوش نیز در سراسر امپراتوری خود فرمانی صادر کرد مبنی بر اینکه همگان باید از خدای دانیال بترسند و او را حرمت نهند (۶: ۲۵ - ۲۷). بنابراین هیچ یک از این پادشاهان سمبول آنتیوخوس چهارم که پادشاهی ظالم و متکبر بود و در قرن دوم قبل از میلاد می‌زیست نیستند.

نتیجه‌گیری: بنابراین نتیجه می‌گیریم که کتاب دانیال را خود دانیال در بابل در قرن ششم قبل از میلاد نوشته است.

نکته ۳ - تقسیم‌بندی کتاب دانیال

برای کتاب دانیال می‌توان این عنوان را در نظر گرفت: "خدا بر تاریخ کنونی بشر تسلط کامل دارد و در آینده آن را به هدفی که برای آن مقرر داشته است می‌رساند." کتاب دانیال را می‌توان به دو قسمت تقسیم کرد: فصل‌های ۱ تا ۶ بیانگر اتفاقاتی است که بر دانیال و دوستانش گذشت، و فصل‌های ۷ تا ۱۲ که از نظر ترتیب زمانی با هم تداخل دارند و چهار رؤیایی را که دانیال در کهنسالی مشاهده کرد بازگو می‌کنند.

"قسمت اول" عبارت است از دانیال ۱: ۱ تا ۶: ۲۸.

داستانها: دانیال ۱: ۱ - ۲۱ بعنوان مقدمه و زمینه این داستانها عمل می‌کند. دانیال ۲: ۱ تا ۶: ۲۸ بیانگر اعمال خدای عظیم در میان امتهاست.

"قسمت دوم" عبارت است از دانیال ۷: ۱ تا ۱۲: ۱۳.

رؤیایها: دانیال ۷: ۱ - ۲۸ شامل اولین رؤیا درباره چهار پادشاهی دنیا و نیز پادشاهی خدا است. دانیال ۸: ۱ - ۲۷ شامل دومین رؤیا درباره هویت پادشاهی‌های دوم و سوم در دنیا است. دانیال ۹: ۱ - ۲۷ شامل سومین رؤیا درباره هفتاد هفته است. دانیال ۱۰: ۱ تا ۱۲: ۱۳ شامل چهارمین رؤیا درباره فرشته آسمانی و مکاشفه نهایی اوست.

کتاب دانیال را می‌توان طور دیگری نیز تقسیم‌بندی کرد: قسمت عمده کتاب به زبان آرامی نوشته شده است و مابقی به زبان عبری. آرامی زبان بین‌المللی دنیای آن روزگار بود. دانیال ۲: ۱ تا ۷: ۲۸ به زبان آرامی نوشته شد، زیرا حاوی پیام اصلی کل کتاب است و روی سخن آن نه فقط با یهودیان، بلکه با تمامی پادشاهان، امپراتوران و مردم جهان است. دانیال ۲ تا ۷ را می‌توان با توجه به مضامین صعودی و نزولی، تقسیم‌بندی کرد:

سه مضمون صعودی عبارتند از: دانیال ۲: ۱ - ۴۹، که در آن نبوکدنصر درباره چهار پادشاهی دنیا و پادشاهی خدا رؤیا می‌بیند. دانیال ۳: ۱ - ۳۰، که در آن نبوکدنصر، پادشاه ظالم، می‌بیند که چطور خدمتگزاران خدا از کوره آتش رهایی می‌یابند. دانیال ۴: ۱ - ۳۷، که در آن خدا نبوکدنصر را مورد داوری قرار می‌دهد.

سه مضمون نزولی عبارتند از: دانیال ۵: ۱ - ۳۱، که در آن خدا، بلشصر را مورد داوری قرار می‌دهد. دانیال ۶: ۱ - ۲۸، که در آن داریوش، پادشاه ماد می‌بیند که چطور دانیال، خدمتگزار خدا از چاه شیران رهایی می‌یابند. دانیال ۷: ۱ - ۲۸، که در آن دانیال درباره چهار پادشاهی دنیا و نیز پادشاهی خدا رؤیا می‌بیند. دو فصل مرکزی کتاب، یعنی فصل‌های ۴ و ۵، نقطه اوج پیام دانیال می‌باشند: خدا می‌خواهد حاکمان قدرتمند دنیا اعتراف کنند که او خدای آسمانها است. بدین ترتیب، دانیال ۲ تا ۷ بر روی هم نوعی "الهیات تاریخ" است و روی سخن آن با پادشاهان جهان است. به همین خاطر است که این قسمت به زبان بین‌المللی یعنی زبان آرامی نوشته شد.

تکلیف برای هفته آینده

اول. در طول هفته آینده، کتاب دانیال فصل‌های ۷ تا ۱۲ را بخوانید. هفته آینده، به معرفی کتاب دانیال-بخش دوم، خواهیم پرداخت.

دوم. کتابهای دست‌نویس عمل "بروید و ملکوت خدا را موعظه کنید" را ملاحظه کرده و به آدرس اینترنتی www.dota.net مراجعه کنید. این آدرس را به حروف تکرار می‌کنم

سوم. هر شنبه تا چهارشنبه به برنامه "دوره شاگردسازی از رادیو" گوش دهید.